

نشریه اخبار هرگاه نقد و نظری در پاسخ به یک مقاله مندرج در نشریه دریافت کند و تصمیم به چاپ آن بگیرد، متن نقد را در اختیار نویسنده مقاله قرار می‌دهد تا در صورت تمایل، درباره آن توضیح بدهد. طول این توضیح نباید بیش از دوسوم نقد باشد. چاپ مطلب زیر مبنی بر این سیاست کلی است. نشریه اخبار این مباحثه را در همین جا خاتمه یافته تلقی می‌کند.

توضیح شاید نا لازم چند نکته

کاوه لاجوردی*

دومین آماری که ذکر کرده‌ام در صفحه دوم مقاله است، هم چنان مقدمتاً و پیش از اینکه هیچ نظر اخلاقی یا زیبایی‌شناختی‌ای مطرح کرده باشم. ادعا کرده‌ام که، در دانشگاه‌های خوب خارجی، این طور نیست که انتشار مقاله شرط لازم فارغ‌التحصیلی در دوره دکتری ریاضی باشد. گفته‌ام که از دوستان ریاضیدانی که از دانشگاه‌های به‌نظر من خوبی فارغ‌التحصیل شده‌اند پرسیده‌ام، و ۱۶ نفری که جواب داده‌اند همگی گفته‌اند که پیش از دفاع مقاله مشترکی با استادشان برای انتشار به جایی نفرستاده بودند. به نظر من این آمار (اگر که بپذیریم که من در گزارشم خطا نکرده‌ام) به شکلی بسیار قوی مدعایم را تأیید می‌کند. توجه کنید که مدعا در اینجا این نیست که مقاله مشترک بد است؛ مدعا این است که در دانشگاه‌های خوب خارجی، انتشار مقاله (مشترک باشد یا نه) برای فارغ‌التحصیلی لازم نیست. باز هم برایم روشن نیست آقای آراین‌نژاد به چه اعتراض می‌کنند، مخصوصاً که آماری که خودشان هم به دست داده‌اند مؤید چیزی است که با حروف سیاه نوشتم. (خوانندگان هم می‌توانند مطابق تلقی‌ای که از دانشگاه خوب دارند این را بررسی کنند که در کدام دانشگاه‌های خوب انتشار مقاله شرط فارغ‌التحصیلی است. به نظر من -- و ممکن است همه موافق نباشند -- این سیاه‌های جزئی از دانشگاه‌های خوب در ریاضیات است: آکسفورد، کمبریج، پرینستون، هاروارد، ییل، برکلی، ستفرد، کرنل.)

حدس می‌زنم که آقای آراین‌نژاد با موفقیت توجه خوانندگان‌شان را به این موضوع جلب کرده باشند که من نه ریاضیدانم و نه هرگز دانشجوی دکتری ریاضیات داشتم. ربط این حرف کاملاً درست به استدلال‌های من روشن نیست. بسیار مشتاق بودم آقای آراین‌نژاد به استدلال‌ها هم می‌پرداختند؛ چون نپرداخته‌اند (شاید به سبب کمبود جا، و/یا اینکه مطالب مهم‌تری برای گفتن داشته‌اند)، دو استدلال را برای بررسی خوانندگان به اختصار در اینجا می‌آورم -- تفصیل این دو استدلال را، همراه با جواب‌هایی به بعضی اعتراض‌های محتمل، می‌توانید در مقاله من ببینید. هدف این استدلال‌ها تقویت این نظر است که:

در ریاضیات، انتشار مقاله مشترک دانشجویان و استاد راهنما کاری است که نوعاً خلاف شأن استاد راهنماست و نوعاً می‌تواند حتی دانشجویان را ضایع کند.

دلیل اول. در دوران تحقیق و نگارش پایان‌نامه، استاد راهنما تقریباً هر کاری که کند (از طرح مسئله و راهنمایی برای حلش تا کمک به نگارش مقاله) از جنس انجام وظیفه است، و انجام وظیفه -- آن هم وظیفه‌ای که استاد بابت انجام آن جداگانه پول و امتیاز گرفته است -- استاد را مستحق این نمی‌کند که نامش در مقام یکی از نویسندگان مقاله بیاید. به علاوه، به نظر من خلاف شأن استاد است که خود را در نتیجه کار شاگردش شریک کند (تمثیل نقاشی در توضیح این نکته اخیر است). تصور من این است که استاد هر قدر مقام علمی‌اش بالاتر باشد آکراه‌اش در شراکت با دانشجویش بیشتر است.

آقای دکتر مسعود آراین‌نژاد مطلبی در جواب مقاله من [۱] نوشته‌اند، و پیشنهاد می‌کنم قبل از خواندن جواب من به جواب ایشان، متن نوشته‌شان را با دقت بخوانید و در استدلال‌ها و تعابیرشان تأمل کنید. از ایشان ممنونم که تأملاتشان را مکتوب کرده‌اند و منتشر می‌کنند.

در مقاله‌ام آمارهایی ذکر کرده بودم، و آقای آراین‌نژاد به روش استفاده از این آمارها خرده گرفته‌اند. به نظر ایشان، آمارهای من قرار بوده است که مدعای مرا (یا، به قول آقای آراین‌نژاد، فرضیه مرا) تقویت کند، و ایشان معتقدند که آن آمارها فرضیه‌ای را که ایشان به من نسبت داده‌اند تأیید نمی‌کند. [۲]

با تلقی ایشان از نقش آمارها در مقاله‌ام موافق نیستم. اولین آماری که ذکر کرده‌ام در ابتدای مقاله است. ادعا کرده‌ام که انتشار مقاله مشترک دانشجویان و استاد راهنما در جامعه ریاضی ایران بسیار متداول است. این نظری اخلاقی یا فلسفی نیست؛ گزارش ساده امر واقع است. شاهدی که ذکر کرده‌ام خبرنامه انجمن ریاضی ایران است: بخش گزارش فارغ‌التحصیلان دوره دکتری را در تمام شماره‌های دو سال متوالی بررسی کرده‌ام، که حاصلش این گزاره شده که همه ۳۱ نفری که خبرنامه در موردشان گزارش داده در زمان دانشجویی با استادشان مقاله مشترک منتشر کرده‌اند (یا برای انتشار فرستاده‌اند). به نظر من، با هر دریافتی از معنای عبارت «بسیار متداول»، این آمار نشان می‌دهد که انتشار مقاله مشترک دانشجویان و استاد راهنما در ایران بسیار متداول است. برایم روشن نیست که اعتراض آقای آراین‌نژاد چیست.

* پژوهشکده فلسفه تحلیلی، پژوهشگاه.

چند سؤال برای نظرسنجی از فارغ‌التحصیلان دوره دکتری پیشنهاد کرده بودم.)

حاشیه

۱. «شؤون استادی و حقوق دانشجویی: مقاله‌های مشترک ریاضی در ایران»، در همین نشریه، شماره پیاپی ۵۷ و ۵۸ (تابستان و پاییز ۸۹)، صص. ۲۷-۳۱.

۲. این «فرضیه» را ایشان به این صورت تقریر کرده‌اند: «اگر فعالیت‌های پژوهشی مربوط به دوره و محتوای پایان‌نامه دوره دکتری ریاضی دانشجویی به صورت مقاله‌ای منتشر شود درست نیست، اخلاقی نیست و در دانشگاه‌های خوب خارجی مرسوم و متداول هم نیست که این مقاله به صورت مشترک منتشر شود [...]». گمان نمی‌کنم این صورت‌بندی گزارش دقیقی از نظر من در آن مقاله باشد.

دلیل دوم، دانشجو به نوعی زبردست استاد است و سرنوشت کاری‌اش تا حد زیادی وابسته به استاد است. شهود اخلاقی من -- که ممکن است مورد قبول همه نباشد -- این است که استاد باید در بهره‌گرفتن از چنین کسی شدیداً احتیاط کند. از جهاتی (ولی نه از همه جهات)، مثل این است که من به منشی‌ام، که از من حقوق می‌گیرد و علی‌الاصول می‌توانم برکنارش کنم، پیشنهاد کنم که بیاید و به فرزند من درس خصوصی بدهد -- سخت است بدانم که آیا راضی هست یا نه. انتشار مقاله مشترک با دانشجوییم به من امتیازی می‌دهد، و شاید که، در نظر دانشجو، استاد آن قدر در کار مشارکت نکرده باشد که مستحق عنوان «نویسنده همکار» بشود. پنداشتنی است که سخت باشد که دانشجو به استادش در این مورد جواب منفی بدهد. (برای خیردارشدن از نظرهای دانشجویان در این مورد، در پایان مقاله

«اصل ازدواج» در همکاری پژوهشی

... مهمترین نکته در همکاری، «اصل ازدواج» است که هاردی و لیتلود، زوج ریاضی معروف و برجسته، به شدت طرفدار آن بودند. طبق این اصل، وقتی پیوند همکاری برای یک کار معین برقرار شد، دیگر تا پایان کار گسیخته نمی‌شود. هرگاه مباحثه‌ای بین دو ریاضیدان آغاز شود که امکان حصول دستاورد مشترکی در آن باشد، هر نتیجه‌ای که به دست آید، خوب یا بد، یک دستاورد مشترک خواهد بود. ممکن است سهم دو همکار در نتیجه نهایی از لحاظ عددی -- تعداد تعریف‌ها، تعداد قضیه‌ها، تعداد اثبات‌ها -- مساوی باشد یا نباشد. مهم نیست، در این مورد نباید شمارش کرد. ممکن است سهمی که یکی از شرکا ادا می‌کند، از نوع بصیرت باشد و سهم دیگری، از نوع تکنیک. شاید یکی از آنها پرسش‌ها را مطرح کرده و دیگری صاحب اطلاعات کافی از نوشتگان موجود بوده و از اتلاف وقت برای کشف دوباره پاسخ‌های معلوم جلوگیری کرده باشد. یا ممکن است یکی از آنها فعال باشد و دیگری، منبع انگیزه و الهام و روحیه برای اولی. اینها مهم نیست -- همین که همکاری شروع شد (که الزاماً به صورتی نیست که رسماً اعلام می‌شود)، هرچه را از آن حاصل شود باید یک محصول مشترک قلمداد کرد.

نقل از

Paul R. Halmos, *I Want to be a Mathematician*, Springer-Verlag, New York, 1985, p98.